واکاوی نقض عملی نظریه انکار مجاز درتفسیراضواءالبیان شنقیطی

دکتر مهدی عبادی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
mehdiebadi@um.ac.ir

دکتر یاسر دلشاد

استادیار گروه اخلاق و سبک زندگی، پژوهشکده معارف اسلامی در جهان معاصر،بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، ایران

چکیده

مسئله وجود یا عدم وجود «مجاز» در قرآن کریم از دیرباز یکی از مباحث چالش‌برانگیز در علوم قرآنی و بلاغت بوده است. در میان عالمان معاصر، محمد امین شنقیطی، صاحب تفسیر«أضواء البیان»، از جمله شخصیت‌هایی است که به‌صراحت و با تأکید فراوان، نظریه وجود مجاز در قرآن را رد کرده و آن را مستلزم لوازم باطلی دانسته است. با این حال، بررسی دقیق تفسیر وی نشان می‌دهد که علی‌رغم این موضع‌گیری نظری قاطع، در عمل و در مواجهه با برخی آیات، ناگزیر از ارائه تفاسیری شده است که با مبانی نظری وی در انکار مجاز، سازگاری کامل ندارد و می‌توان آن‌ها را به‌عنوان موارد نقض عملی این نظریه تلقی کرد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکردی انتقادی و بلاغی، ابتدا به تبیین مبانی نظری شنقیطی در انکار مجاز و معرفی تفسیر «أضواء البیان» می‌پردازد. سپس با ارائه رویکردی آماری و با ارائه نمونه‌های مشخصی از آیات قرآن (اعم از نمونه‌های مشهور و نمونه‌های کمتر پرداخته‌شده‌ای نظیر آیات شرب عجل و گریه آسمان (و تحلیل عمیقِ ادبی و بلاغیِ تفسیر شنقیطی از آن‌ها، موارد تناقض میان نظر و عمل وی را در مسئله مجاز به نمایش می‌گذارد. در ادامه، با پاسخ به شبهه کسانی که منکر وجود این تعارض هستند، به تحلیل دلایل و توجیهات احتمالی این ناهمسانی پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه پیچیدگی‌های زبان قرآن و ضرورت ارائه معنایی منسجم و قابل قبول از آیات، گاه مفسر را حتی برخلاف مبانی نظری اعلامی‌اش، به سمت پذیرش تأویل یا تفسیر مجازی سوق می‌دهد.

کلیدواژگان: مجاز در قرآن، انکار مجاز، محمد امین شنقیطی، أضواء البیان، استعاره، بلاغت قرآنی

مقدمه

بحث «مجاز» و کاربرد آن در زبان، به‌ویژه در متون مقدس، از جمله قرآن کریم، یکی از کهن‌ترین و در عین حال پردامنه‌ترین مباحث در حوزه زبان‌شناسی، بلاغت و علوم تفسیری بوده است. در طول تاریخ اسلام، اندیشمندان و مفسران قرآن در این باره به دو گروه اصلی تقسیم شده‌اند: گروهی که وجود مجاز در قرآن را پذیرفته و آن را یکی از وجوه اعجاز بیانی و زیبایی‌شناختی کلام الهی دانسته‌اند، و گروهی دیگر که به‌کلی منکر وقوع مجاز در قرآن شده و تمام تعابیر آن را بر معنای حقیقی حمل کرده‌اند. هر یک از این دو گروه، برای اثبات مدعای خود به دلایل عقلی و نقلی متعددی تمسک جسته‌اند.

در میان علمای معاصر که با قاطعیت نظریه وجود مجاز در قرآن را رد کرده‌اند، نام شیخ محمد امین بن محمد مختار شنقیطی (م. ۱۳۹۳ ق)، صاحب تفسیر «أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن»، برجستگی خاصی دارد. وی در مقدمه تفسیر خود و در مواضع مختلف، با استدلال‌هایی چون لزوم صدق کلام الهی، عدم نیاز خداوند به استفاده از مجاز، و اینکه قول به مجاز راه را بر تأویلات باطل باز می‌کند، به‌شدت با این نظریه مخالفت ورزیده است.[۱]

با این حال، پرسش اساسی که این پژوهش در پی پاسخ به آن است، این است که آیا این موضع‌گیری نظری قاطع شنقیطی در انکار مجاز، در سراسر تفسیر«أضواء البیان» و در عمل تفسیری وی نیز به‌طور کامل رعایت شده است؟ آیا در عمل تفسیری شنقیطی و در مواجهه با آیات خاص، مواردی یافت می‌شود که تفسیر ارائه شده توسط وی، با نظریه انکار مجاز در تناقض باشد یا به‌نوعی متضمن پذیرش معنای مجازی باشد؟ این موارد تناقض (در صورت وجود) کدامند و چگونه قابل تحلیل هستند؟ دلایل و توجیهات احتمالی این ناهمسانی میان نظر و عمل شنقیطی در مسئله مجاز چیست؟

بررسی این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که می‌تواند به درک عمیق‌تری از چالش‌های نظریه انکار مجاز در مواجهه با واقعیت زبانی قرآن و همچنین به شناخت دقیق‌تر روش تفسیری شنقیطی کمک کند.

مسئله مجاز و حقیقت، تأثیر مستقیمی بر فهم و تفسیر آیات قرآن، به‌ویژه آیات مربوط به صفات الهی، داستان‌های قرآن، و تعابیر کنایی و استعاری دارد. انکار مطلق مجاز می‌تواند به برداشت‌های سطحی، ظاهری و گاه انسان‌انگارانه (در مورد صفات الهی) منجر شود. از سوی دیگر، پذیرش بی‌ضابطه مجاز نیز می‌تواند راه را برای تأویلات دور از ذهن و تحمیل معانی بیگانه بر قرآن هموار سازد. بررسی دیدگاه و عملکرد مفسر بزرگی چون شنقیطی که از یک سو بر روش «تفسیر قرآن به قرآن» و پرهیز از رأی تأکید دارد و از سوی دیگر به‌شدت منکر مجاز است، می‌تواند ابعاد جدیدی از این بحث را روشن سازد.

درباره مسئله مجاز در قرآن و دیدگاه‌های موافقان و مخالفان، آثار متعددی از قدما و معاصرین به رشته تحریر درآمده است (مانند آثار جرجانی، سیوطی، زرکشی، و در دوران معاصر، کتاب‌های مربوط به علوم قرآن و بلاغت). تفسیر «أضواء البیان» نیز به‌عنوان یکی از تفاسیر مهم معاصر، مورد توجه پژوهشگران بوده و جنبه‌های مختلف روش تفسیری شنقیطی بررسی شده است.[۲] برخی پژوهش‌ها نیز به‌طور خاص به دیدگاه شنقیطی درباره مجاز پرداخته و مبانی نظری او را تبیین کرده‌اند.[۳]

---

[۱]. شنقیطی،أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن، ۱/ ۷-۶، ۷/ ۴۳۴-۴۳۰.

[۲]. الذهبی،التفسیر و المفسرون، ۲/ ۲۴۵-۲۳۵؛ معرفت،التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب،۲/ ۴۷۸-۴۷۶.

[۳]. بلتاجي،نظرية المجاز عند الشنقيطي وأثرها في تفسيره أضواء البيان، ۱۲۷؛ العواجي،منهج الشيخ محمد الأمين الشنقيطي في دفع توهم الاضطراب عن آيات الكتاب العزيز، ۱۲۱.

پیشینه پژوهش و نوآوری مقاله:

در زمینه بررسی و نقد ادله منکران مجاز، کارهای ارزشمندی صورت گرفته است؛ از جمله یکی از مهم‌ترین و جامع‌ترین آثار معاصر، کتاب دوجلدی و قطور دکتر عبدالعظیم المطعنی با عنوان «المجاز فی اللغة والقرآن الکریم بین المنع والإجازة: عرض وتحلیل ونقد» است که در آن، نظریات منکران مجاز (به‌ویژه ابن‌تیمیه و پیروان مکتب وی) به‌طور عمیق و علمی نقد و بررسی شده است. همچنین مقاله «نظریة المجاز عند الشنقیطی وأثرها فی تفسیره أضواء البیان» به‌طور خاص به مبانی نظری شنقیطی پرداخته است. با این حال، تحقیقی که به‌طور متمرکز و با ارائه نمونه‌های متعدد از تفسیر«أضواء البیان»، به بررسی «موارد نقض عملی» نظریه انکار مجاز توسط خود شنقیطی بپردازد و این تناقض را تحلیل کند، کمتر به چشم می‌خورد. این مقاله سعی دارد این جنبه مغفول مانده را مورد کاوش قرار دهد.

الف: مفهوم شناسی مجاز و مبانی نظری شنقیطی در انکار آن

۱. تعریف لغوی و اصطلاحی مجاز

«مجاز» در لغت از ریشه «ج و ز» به معنای عبور کردن و گذشتن از چیزی است.[٤] در اصطلاح علمای بلاغت، مجاز کلمه‌ای است که در غیر معنای اصلی و وضعی خود به کار رفته باشد، به شرط وجود قرینه صارفه (مانع از اراده معنای حقیقی) و علاقه (ارتباط و مناسبت میان معنای حقیقی و مجازی).[٥] مجاز به انواع مختلفی چون استعاره، مجاز مرسل، مجاز عقلی و... تقسیم می‌شود.

۲. دیدگاه‌های کلی درباره مجاز در قرآن

- قائلین به مجاز: اکثریت علمای بلاغت، مفسران و اصولیون (از جمله معتزله، بسیاری از اشاعره و شیعه) وجود مجاز در قرآن را پذیرفته و آن را از وجوه فصاحت، بلاغت و اعجاز قرآن شمرده‌اند. آنان معتقدند که مجاز، ابزاری قدرتمند برای بیان معانی دقیق، ایجاد تأثیر عاطفی، و تجسیم مفاهیم انتزاعی است و زبان قرآن به‌عنوان بلیغ‌ترین کلام، از این ظرفیت زبانی بهره برده است.[٦]
- منکران مجاز: گروهی از علما، عمدتاً از میان اهل حدیث و برخی از حنابله و ظاهریه، وجود مجاز در قرآن را انکار کرده‌اند. دلایل عمده آنان عبارت است از:
  - اصل صدق کلام الهی: مجاز را نوعی کذب یا خلاف ظاهر می‌دانند و معتقدند کلام خداوند باید کاملاً حقیقی و صریح باشد.
  - استغنای خداوند: خداوند برای بیان مقاصد خود نیازی به استفاده از تعابیر مجازی ندارد.

---

٤. ابن منظور،لسان العرب،ذیل«جوز».

٥. جرجانی،أسرار البلاغة،٣٤-٣٣؛ سیوطی،الإتقان فی علوم القرآن ،١٠٨/٢-١٠٧.

٦. زرکشی،البرهان فی علوم القرآن ، ٢/ ٣٧٩-٣٧٦.

- جلوگیری از تأویلات باطل: قول به مجاز، راه را برای تأویل آیات، به‌ویژه آیات صفات، توسط فرقه‌های مختلف باز می‌کند و منجر به انحراف از معنای صحیح می‌شود.[۷]
- عدم وجود دلیل قطعی: دلیلی قطعی بر وقوع مجاز در قرآن وجود ندارد و تمام مواردی که به‌عنوان مجاز معرفی شده‌اند، قابل حمل بر معنای حقیقی (ولو با توسعه در معنای حقیقی) هستند.

۳. مبانی نظری شنقیطی در انکار مجاز و نگاهی آماری به آن:

شیخ محمد امین شنقیطی در مقدمه تفسیر «أضواء البیان» و در مواضع دیگر، به‌صراحت و با شدت، نظریه وقوع مجاز در قرآن و سنت را رد می‌کند. مهم‌ترین مبانی و دلایل وی عبارتند از:

- مجاز؛ مستلزم کذب: او معتقد است که اگر لفظی در غیر معنای حقیقی خود به کار رود، این امر مستلزم آن است که گوینده معنای حقیقی را نفی کرده و معنای دیگری را اثبات کند، و این با صدق مطلق کلام الهی منافات دارد. او می‌گوید: «التَّحْقِيقُ الَّذِي لا شَكَّ فِيهِ، هُوَ أَنَّ الْمَجَازَ لا وُجُودَ لَهُ فِي الْقُرْآنِ وَلا فِي السُّنَّةِ، وَأَنَّ جَمِيعَ مَا فِي الْقُرْآنِ وَالسُّنَّةِ فَهُوَ حَقِيقَةٌ».[۸]
- نفی مجاز؛ راه سلف صالح: شنقیطی ادعا می‌کند که سلف صالح (صحابه و تابعین) قائل به مجاز نبوده‌اند و این نظریه بعدها توسط متکلمان و بلاغیون وارد علوم اسلامی شده است.
- قول به مجاز؛ دروازه تأویل باطل: او مهم‌ترین دلیل خود را این می‌داند که پذیرش مجاز، راه را برای اهل بدعت و تأویل‌کنندگان آیات صفات الهی باز می‌کند تا صفات را از معانی حقیقی خود منصرف کرده و به معانی مجازی تأویل کنند و بدین ترتیب، عقاید صحیح را مخدوش سازند.[۹]
- تمام موارد ادعایی مجاز، قابل حمل بر حقیقت اند: شنقیطی معتقد است آیاتی که دیگران آن‌ها را مجازی دانسته‌اند، یا از باب حقیقت لغوی (با توسعه در معنای لغوی)، یا حقیقت شرعی، یا حقیقت عرفی هستند و نیازی به قول به مجاز نیست. او اسلوب «حذف و تقدیر» را بر قول به مجاز ترجیح می‌دهد.

از حیث آماری، بررسی متن تفسیر «أضواء البیان» نشان می‌دهد که شنقیطی در بیش از ۴۰ موضع مختلف (به‌ویژه در ذیل آیات صفات الهی و در مقدمه مباحث اصولی)، صراحتاً بر لزوم حمل کلمات بر «حقیقت لغویه» تأکید کرده و مجاز را رد کرده است. با این حال، در مقابل این حجم از تصریحات نظری، آمار موارد نقض نیز قابل توجه است؛ به‌طوری که وی در تفسیر ده‌ها آیه که بار استعاری و کنایی بالایی دارند (که در ادامه به ۵ نمونه برجسته آن اشاره می‌شود)، ناگزیر از کاربست رویکردهایی شده که روحِ آن‌ها چیزی جز پذیرش مجاز نیست

شنقیطی با این مبانی، خود را ملزم به تفسیر تمام آیات قرآن بر اساس معنای حقیقی می‌داند و از هرگونه تعبیر مجازی پرهیز می‌کند.

---

۷. ابن تیمیه، مجموع الفتاوی، ۶/ ۳۹۰-۳۸۴.

۸. شنقیطی، أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن، ۷/ ۴۳۰.

۹. شنقیطی، أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن، ۱/ ۷-۶، ۴۳۱/۷.

ب: نگاهی به تفسیر شنقیطی و تأکید او بر نفی مجاز

۱. جایگاه تفسیر «أضواء البیان»

تفسیر«أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن» اثر شیخ محمد امین شنقیطی، یکی از برجسته‌ترین تفاسیر معاصر اهل سنت به شمار می‌رود. این تفسیر که به روش «تفسیر قرآن به قرآن» نگاشته شده، از جامعیت و عمق علمی قابل توجهی برخوردار است. شنقیطی در این اثر تلاش کرده تا با استناد به آیات دیگر قرآن، روایات نبوی، لغت عرب، و گاهی مباحث اصولی و فقهی، به تبیین معانی آیات بپردازد. این تفسیر به‌ویژه در میان پیروان مکتب سلفی و علاقه‌مندان به تفسیر اثری، جایگاه ویژه‌ای دارد.

۲. روش تفسیری شنقیطی

مهم‌ترین ویژگی روش تفسیری شنقیطی، تأکید او بر اصول زیر است:

- تفسیر قرآن به قرآن: این اصل، محور اصلی تفسیر اوست. وی معتقد است که قرآن خود مبین خویش است و بهترین راه فهم یک آیه، مراجعه به آیات دیگر است.[۱۰]
- تفسیر قرآن به سنت: پس از قرآن، سنت نبوی صحیح، دومین منبع تفسیر در نگاه شنقیطی است.
- تفسیر قرآن به لغت عرب: او به لغت عرب اصیل و اشعار جاهلی برای فهم معانی واژگان اهمیت زیادی می‌دهد.
- پرهیز از رأی و تأویلات باطل: شنقیطی به‌شدت از تفسیر به رأی و تأویلاتی که مستند به دلیل شرعی نیستند، پرهیز می‌کند.
- نفی مجاز: همان‌طور که گفته شد، انکار مجاز یکی از اصول بنیادین روش تفسیری اوست.

۳. تصریح شنقیطی بر انکار مجاز در «أضواء البیان»

شنقیطی در موارد متعددی از تفسیر خود، به‌ویژه در مقدمه جلد اول و در تفسیر آیاتی که معمولاً به‌عنوان نمونه مجاز ذکر می‌شوند (مانند آیات صفات، یا آیاتی چون «جدارا یرید أن ینقض»)، به‌تفصیل به رد نظریه مجاز پرداخته و دلایل خود را تکرار کرده است. او با قاطعیت اعلام می‌کند که هرگونه عدول از معنای حقیقی در قرآن، بدون دلیل قاطع شرعی، جایز نیست و مجاز از این قبیل است.[۱۱]

با توجه به این موضع‌گیری صریح و قاطع، انتظار می‌رود که در سراسر تفسیر «أضواء البیان» هیچ‌گونه اثری از تفسیر مجازی یا تأویلاتی که مستلزم پذیرش مجاز باشد، یافت نشود، در حالی که چنین نیست.

ج: بررسی نمونه‌هایی از موارد نقض عملی نظریه انکار مجاز (همراه با تحلیل عمیق بلاغی)

علی‌رغم تأکید نظری شنقیطی بر انکار مجاز، در عمل تفسیری وی می‌توان مواردی را یافت که تفسیر ارائه شده، اگر نگوییم صراحتاً مجازی است، دست‌کم با مبانی انکار مطلق مجاز و حمل همه چیز بر حقیقت لغوی، سازگاری ندارد و به‌نوعی به سمت پذیرش معنایی فراتر از حقیقت اولیه سوق پیدا می‌کند.

---

[۱۰]. شنقیطی،أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن، ۱/ ۵.

[۱۱]. شنقیطی،أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن، ۷/ ۴۳۴-۴۳۰، ذیل آیه ۴۲ سوره قلم «یوم یکشف عن ساق».

در این بخش، علاوه بر بررسی مجدد و تعمیق در نمونه‌های مشهور، نمونه‌های جدیدی نیز برای اثبات قوت این مدعا افزوده شده است.

نمونه اول: آیه «وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا» (یوسف: ۸۲)

- موضع رایج مفسران (قائلین به مجاز): این آیه (سخن برادران یوسف به پدرشان) یکی از مشهورترین مثال‌ها برای «مجاز حذف» یا «مجاز مرسل با علاقه محلیه» است. مفسران قائل به مجاز معتقدند که مقصود «وَاسْأَلْ أَهْلَ الْقَرْيَةِ» (از اهل قریه بپرس) و «وَاسْأَلْ أَصْحَابَ الْعِيرِ» (از اصحاب کاروان بپرس) است و کلمه «اهل» یا «اصحاب» به قرینه عقلی (عدم امکان سؤال از در و دیوار قریه یا خود کاروان) حذف شده است.[۱۲]
- تفسیر شنقیطی: شنقیطی در تفسیر این آیه، ابتدا قول جمهور مفسران مبنی بر وجود مضاف محذوف (اهل) را نقل می‌کند. سپس می‌گوید: « وَبَعْضُ الْعُلَماءِ يَمْنَعُ تَقْديرَ الْمُضافِ فِي مِثْلِ هَذا، وَيَقُولُ: إِنَّ السُّؤالَ لِلْقَرْيَةِ وَالْعَيْرِ حَقِيقِيٌّ، وَأَنَّ اللَّهَ يَجْعَلُ لَها إِدْراكًا تَفْهَمُ بِهِ السُّؤالَ وَتَجِيبُ عَنْهُ».[۱۳] او این قول دوم (سؤال حقیقی از قریه و کاروان با ایجاد ادراک در آنها) را به برخی علما نسبت می‌دهد و آن را عجیب نمی‌داند و به آیاتی مانند «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا» (زلزال: ۴) و «قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (فصلت: ۱۱) استشهاد می‌کند.
- تحلیل و نقد ادبی و بلاغی:
  - اگرچه شنقیطی قول به سؤال حقیقی را به‌عنوان یک احتمال مطرح می‌کند، اما خود او نیز در ادامه، بدون رد قطعی قول به حذف، به بحث‌های دیگری می‌پردازد. مهم‌تر اینکه، حتی اگر قول به سؤال حقیقی از جمادات را بپذیریم (که خود نوعی خرق عادت و خلاف ظاهر فهم عرفی است)، این تفسیر در واقع از یک مجاز (حذف) فرار کرده و به چیزی شبیه به «استعاره مکنیه» یا «تشخیص» پناه برده است که در آن به اشیاء بی‌جان، صفات موجودات جاندار نسبت داده می‌شود. این خود نوعی کاربرد مجازی زبان است، هرچند نام دیگری بر آن نهاده شود.
  - اصرار بر اینکه سؤال از خود «قریه» و «عیر» حقیقی است، در حالی که مخاطب عرفی به‌سرعت معنای «اهل قریه» را می‌فهمد، نوعی تکلف و خروج از فهم طبیعی زبان است که خود شنقیطی در موارد دیگر از آن پرهیز می‌کند.
  - اگر شنقیطی واقعاً به سؤال حقیقی از جمادات در این آیه معتقد بود، باید با قاطعیت بیشتری آن را بیان می‌کرد و قول به حذف را رد می‌نمود، در حالی که چنین نمی‌کند.
  - از منظر زبان‌شناختی، ادعای ادراک برای دیوارهای شهر در سیاقِ اثباتِ بی‌گناهی برادران یوسف، کاملاً نامانوس است. یعقوب (ع) قرار بود از چه کسی تحقیق کند؟ از دیوارها؟ این نوع فرار از مجاز لغویِ ساده، مفسر را به ورطه تأویلات فرامتنیِ سنگینی می‌کشاند که با شعار «اخذ به ظاهر الفاظ» در تضاد است.

نمونه دوم: آیه «جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَّ» (کهف: ۷۷)

---

[۱۲]. زمخشری،الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل،۲/ ۴۹۶؛ طبرسی،مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۵/ ۴۴۸.

[۱۳]. شنقیطی،أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن،۳/۸۰.

- موضع رایج مفسران (قائلین به مجاز): در این آیه (داستان موسی و خضر)، «اراده انقضاض» (قصد فروریختن) به دیوار نسبت داده شده است. جمهور مفسران این را نوعی استعاره مکنیه یا مجاز دانسته‌اند که در آن «اراده» که از ویژگی‌های موجودات ذی‌شعور است، به دیوار بی‌جان نسبت داده شده و مقصود، نزدیکی و مشرف بودن دیوار به فروریختن است.[۱۴]
- تفسیر شنقیطی: شنقیطی در اینجا نیز ابتدا قول به مجاز (نسبت دادن اراده به دیوار به‌معنای نزدیکی به سقوط) را از دیگران نقل می‌کند. سپس می‌گوید: « وَقالَ بَعْضُهُمْ: بَلِ الإرادَةُ مِنَ الْجِدارِ حَقِيقِيَّةٌ، وَأَنَّ اللَّهَ تَعالَى يَجْعَلُ لِبَعْضِ الْجَماداتِ إرادَةً وَعِلْمًا لا يَحِيطُ بِهِ عِلْمُ الْخَلْقِ...».[۱۵] او برای این قول به آیاتی مانند تسبیح موجودات و سجده آن‌ها استشهاد می‌کند.
- تحلیل و نقد ادبی و بلاغی:
  - همانند نمونه قبل، فرار از یک مجاز آشکار (استعاره) با توسل به یک «حقیقت ادعایی» (اراده حقیقی در جمادات) که خود نیازمند تأویل و خروج از فهم متعارف است، مشاهده می‌شود. اگر دیوار حقیقتاً اراده دارد، این اراده از سنخ اراده انسانی نیست و باز هم نوعی کاربرد غیرحقیقی (به معنای رایج) زبان است.
  - استشهاد به تسبیح عمومی موجودات یا سجده آن‌ها، لزوماً به معنای داشتن اراده جزئی مانند «اراده انقضاض» در یک دیوار خاص نیست. آن موارد بیشتر ناظر به خضوع تکوینی کل هستی در برابر خداوند است.
  - شنقیطی خود در ادامه، بدون ترجیح قطعی قول به اراده حقیقی، به مباحث فقهی مستنبط از آیه می‌پردازد، که نشان می‌دهد شاید خود او نیز در پذیرش کامل این تفسیر حقیقی، تردید داشته است.
  - اراده در وضع لغوی خود (حقیقت)، از مختصات موجودات ذی‌شعور است. حمل اراده بر میلِ فیزیکی دیوار به سقوط، توسعه در معنای لغوی است؛ و اگر این توسعه معنایی همراه با قرینه (نبود شعور در دیوار) پذیرفته شود، این دقیقاً همان تعریف «مجاز عقلی» در إسناد است. تغییر نام آن به «حقیقت ادعایی»، ماهیت مجازی آن را عوض نمی‌کند و از عمق علمیِ نقدِ منکران مجاز می‌کاهد.

نمونه سوم: آیه «اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ» (اسراء: ۲۴)

- موضع رایج مفسران (قائلین به مجاز): در این آیه (دستور به فروتنی در برابر والدین)، تعبیر «جناح الذل» (بال فروتنی) یک استعاره بسیار زیبا و رایج است. انسان بال ندارد و ذلت نیز بال ندارد. این تعبیر برای تجسیم نهایت تواضع و مهربانی به کار رفته است.[۱۶]
- تفسیر شنقیطی: شنقیطی در تفسیر این آیه می‌گوید: « أَمَرَ اللَّهُ تَعالَى فِي هَذِهِ الآيَةِ الْكَرِيمَةِ، الْوَلَدَ أَنْ يَخْفِضَ لِوالِدَيْهِ جَناحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ. أَيْ: يَلِينَ لَهُما جانِبَهُ مُتَذَلِّلاً لَهُما مِنْ فَرْطِ رَحْمَتِهِ إِيَّاهُما وَعَطْوَفَتِهِ عَلَيْهِما...».[۱۷] او سپس به توضیح معنای «خفض جناح» در مورد پرندگان می‌پردازد که چگونه برای مهربانی به جوجه‌هایشان بال خود را پایین می‌آورند و این را به رفتار فرزند با والدین تشبیه می‌کند.

---

[۱۴]. فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۲۱/ ۴۸۰.

[۱۵]. شنقیطی، أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن، ۴/ ۱۸۳.

[۱۶]. قرطبی، الجامع لأحکام القرآن، ۱۰/ ۲۴۲.

[۱۷]. شنقیطی، أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن، ۴/ ۴۵.

- تحلیل و نقد ادبی و بلاغی:
  - اگرچه شنقیطی از کلمه «مجاز» یا «استعاره» استفاده نمی‌کند، اما تفسیر او عملاً چیزی جز بیان معنای استعاری آیه نیست. او «خفض جناح الذل» را به «لین الجانب» (نرم‌خویی) و «تذلل از روی رحمت» معنا می‌کند. این دقیقاً همان کاری است که قائلین به مجاز انجام می‌دهند: عبور از معنای حقیقی (بال داشتن انسان و بال داشتن ذلت) به معنای مجازی (نهایت تواضع و مهربانی).
  - تشبیه رفتار فرزند به پرنده، خود یک اسلوب بلاغی (تشبیه تمثیلی یا استعاره تمثیلیه) است که در آن وجه شبه، یک هیئت منتزع از امور متعدد است. این فراتر از معنای حقیقی صرف کلمات است.
  - اصرار بر اینکه این تعبیر حقیقت است و نه مجاز، نیازمند این است که برای «جناح» و «ذل» معانی حقیقی جدیدی وضع کنیم که در اینجا مصداق پیدا کنند، که این خود نوعی توسعه معنایی و نزدیک به مجاز لغوی است.
  - در اینجا، ذلت (مفهوم انتزاعی) به پرنده‌ای تشبیه شده که بال دارد (استعاره مکنیه)، و واژه «جناح» (بال) برای آن اثبات شده است (استعاره تخییلیه). شنقیطی کلمه «جناح» را به معنای فیزیکی آن (بال) برای انسان تفسیر نکرده، بلکه آن را کنایه از «نرم‌خویی» گرفته است. این دقیقاً عبور از معنای حقیقی کلمه به معنای مجازی آن (به‌واسطه علاقه مشابهت) است.

نمونه چهارم: آیات صفات خبری (مانند «ید الله»، «وجه الله»، «استواء علی العرش»)

- موضع رایج منکران مجاز (از جمله سلفیه): در مورد آیات صفات، این گروه معتقدند که باید صفات را همان‌گونه که آمده، بر معنای حقیقی و لایق به ذات الهی اثبات کرد، بدون تأویل، تعطیل، تشبیه و تمثیل. آنان کیفیت این صفات را به خدا واگذار می‌کنند (تفویض کیفیت لا تفویض المعنی).
- تفسیر شنقیطی: شنقیطی نیز در این آیات، همین روش را در پیش می‌گیرد. مثلاً در مورد «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح: ۱۰)، او «ید» را به معنای حقیقی «دست» برای خداوند اثبات می‌کند، اما کیفیتی لایق به ذات او، نه مشابه دست مخلوقات.[۱۸] او تأویل «ید» به «قدرت» یا «نعمت» را که رایج نزد قائلین به مجاز است، رد می‌کند.
- تحلیل و نقد:
  - مسئله اصلی در اینجا این است که آیا حمل این صفات بر «معنای حقیقی لغوی» بدون هیچ‌گونه مجاز یا تأویلی، واقعاً امکان‌پذیر است و به تشبیه منجر نمی‌شود؟ کلمه «ید» در لغت عرب، در وهله اول بر عضو بدن اطلاق می‌شود. اثبات «ید» برای خدا و سپس گفتن اینکه «مانند ید مخلوقات نیست»، خود نوعی عدول از معنای متبادر اولیه و پذیرش معنایی خاص و فراتر از حقیقت عرفی است.

---

[۱۸]. شنقیطی،أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن، ۷/ ۳۳۱-۳۳۰.

- اگر «ید الله» دقیقاً به معنای حقیقی لغوی «دست» باشد، چگونه می‌توان از تشبیه پرهیز کرد؟ قائلین به «تفویض کیفیت» در واقع تلاش می‌کنند تا از یک سو ظاهر لفظ را حفظ کنند و از سوی دیگر از تشبیه بپرهیزند. این موضع، خود نوعی پیچیدگی دارد و برخی آن را نوعی «مجاز خفی» یا «تأویل اجمالی» دانسته‌اند.
- شنقیطی برای فرار از مجاز، به «حقیقت لایقه» پناه می‌برد. اما تعریف دقیق «حقیقت لایقه» و تمایز آن از یک «معنای مجازی مناسب» گاهی دشوار می‌شود. اگر معنای حقیقی «ید»، همان عضو بدن است، و این معنا برای خدا محال است، پس باید معنای دیگری برای «ید الله» در نظر گرفت. اگر این معنای دیگر، «قدرت» یا «نعمت» (که علاقه و قرینه دارد) باشد، مجاز است. اگر معنای دیگری باشد که ما نمی‌دانیم چیست (تفویض معنا)، این خلاف اصل تبیین قرآن است. و اگر معنای «دستِ بدون کیفیتِ مخلوق» باشد، این خود یک ترکیب مفهومی جدید است که از حقیقت لغوی اولیه فراتر رفته است.

نمونه پنجم: آیه «وَأُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ» (البقره: ۹۳):

تحلیل بلاغی جمهور: آیه در مقام توبیخ بنی‌اسرائیل می‌فرماید: «گوساله در دل‌هایشان خورانده/نوشانده شد». پرواضح است که خودِ مجسمه گوساله از نظر فیزیکی در دل‌ها جای نمی‌گیرد. علمای بلاغت این را مجاز مرسل (از باب حذف مضاف) می‌دانند؛ یعنی مقصود «حُبّ العجل» (دوستی گوساله) است.

موضع و نقد: شنقیطی در تفسیر این دست آیات ناگزیر است بپذیرد که منظور، ورود فیزیکی گوساله به قلب انسان‌ها نیست، بلکه «رسوخ محبت» آن است. پذیرش کلمه محذوف در تقدیر، یا تغییر بار معنایی فعل «اُشربوا» به «عمیق شدن محبت»، تسلیم شدن تمام‌عیار در برابر کارکرد مجازی کلام است که با مبنای صدق ظاهری الفاظ و عدم نیاز به قرینه که وی همواره بر آن تأکید دارد، در تناقض آشکار است.

نمونه ششم: آیه «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ» (الدخان: ۲۹):

تحلیل بلاغی جمهور: نسبت دادن «گریه» به آسمان و زمین، استعاره مکنیه تخییلیه برای نشان دادن عدم اهمیت هلاکت فرعونیان در نظام هستی است.

موضع و نقد: اگر مفسری بخواهد به مبنای نفی مطلق مجاز پایبند بماند، باید معتقد باشد که آسمان و زمین مجاری اشک دارند و حقیقتاً گریه می‌کنند (یا نمی‌کنند). در حالی که مفسرانی چون شنقیطی در مواجهه با چنین آیاتی، یا به تأویل (کنایه از عدم تأثر عالم و بی‌ارزشی فرعونیان) روی می‌آورند، و یا اسناد را حقیقی در نظر گرفته و به ماهیتِ تکوینیِ ناشناخته‌ی آن ارجاع می‌دهند که در هر دو صورت، از چارچوب «حقیقت متبادر لغوی» خارج شده‌اند و این خود نوعی نقض مبنای تئوریک است.

د: پاسخ به شبهه عدم تعارض میان نظر و عمل شنقیطی ممکن است برخی از مدافعان مکتب سلفیه و منکران مجاز ادعا کنند که مواردی چون «حذف مضاف» (در آیه قریه) یا توسعه در لغت، از باب «اسالیب کلام عرب» است و اصطلاحاً مجاز محسوب نمی‌شود؛ بنابراین برخلاف ادعای این پژوهش، هیچ تعارضی در کار شنقیطی نیست. در پاسخ به این نقد علمی باید به مبانی علم اصول و بلاغت رجوع کرد :۱ .تغییر نام، تغییر ماهیت نیست: مجاز در تعریف دقیق و جاافتاده خود، «استعمال اللفظ فی غیر ما وضع له لعلاقة مع قرینة» است. وقتی ترکیب «خفض جناح» به معنای تواضع به کار می‌رود، لفظ در معنای وضعی و حقیقی خود به کار نرفته است. نامیدن این پدیده به «اسلوب عربی» یا «اتساع در لغت»، صرفاً فرار از واژه «مجاز» است، اما از نظر تحلیلی و زبان‌شناختی، دقیقاً همان فرایند ذهنیِ انتقال از معنای اول به معنای دوم (یعنی مجاز) رخ داده است .۲ .قاعده کذب: شنقیطی دلیل اصلی خود در رد مجاز را این می‌داند که مجاز یعنی نفی معنای حقیقی، و این در کلام خدا کذب است. حال سؤال این است: در آیه شرب عجل، آیا ورود فیزیکی گوساله به قلب نفی نمی‌شود؟ قطعا نفی می‌شود. پس اگر نفی معنای ظاهری مستلزم کذب است، در «حذف مضاف» و «استعاره» نیز این نفی صورت می‌گیرد. بنابراین، تفاسیر شنقیطی در این آیات، نقضِ مستقیم و عملیِ مهم‌ترین استدلال نظری خودِ اوست و ادعای عدم تعارض، ادعایی غیرعمیق به نظر می‌رسد.

ه: پیامدهای ناهمسانی نظر و عمل شنقیطی در مسئله مجاز

مشاهده این موارد و نمونه‌های مشابه دیگر (که به دلیل اختصار ذکر نشد)، این پرسش را مطرح می‌کند که چرا مفسری چون شنقیطی که با چنان قاطعیتی مجاز را انکار می‌کند، در عمل گاهی تفاسیری ارائه می‌دهد که با آن مبنای نظری در تعارض به نظر می‌رسد؟

۱. دلایل ناهمسانی:

- فشار واقعیت زبانی قرآن و ضرورت فهم‌پذیری: زبان قرآن، به‌عنوان یک متن زبانی بلیغ و هنری، سرشار از تعابیر کنایی، استعاری و مجازی است که جزء طبیعت زبان بشری و ابزاری برای انتقال معانی عمیق است. انکار مطلق این جنبه و اصرار بر حمل همه چیز بر حقیقت لغوی اولیه، گاهی منجر به تفاسیر غیرقابل فهم، متکلفانه یا حتی مخالف با عقل سلیم می‌شود. شنقیطی به‌عنوان یک مفسر که هدفش «ایضاح القرآن بالقرآن» است، ناگزیر بوده در مواردی برای ارائه معنایی روان و قابل قبول، به سمت تفاسیری برود که عملاً به معنای مجازی نزدیک می‌شوند، هرچند نام آن را مجاز نگذارد.
- تأثیر سنت تفسیری رایج: علی‌رغم تلاش شنقیطی برای ارائه تفسیری مبتنی بر اصول خود، او نمی‌توانسته به‌کلی از میراث عظیم تفسیری پیش از خود، که مملو از تفاسیر مجازی است، چشم‌پوشی کند. نقل قول او از دیگران (حتی در مواردی که با نظر خودش متفاوت است) و تأثیر ناخودآگاه از فهم رایج برخی آیات، می‌تواند در این ناهمسانی نقش داشته باشد.
- توسعه در معنای «حقیقت» یا استفاده از «حذف و تقدیر» به‌جای مجاز: شنقیطی و دیگر منکران مجاز، گاهی برای فرار از پذیرش مجاز، دامنه معنای «حقیقت» را گسترش می‌دهند (حقیقت لغویه، عرفیه، شرعیه موسعه) یا بسیاری از موارد را با اصل «حذف و تقدیر» توجیه می‌کنند. مثلاً در « وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ»، می‌گویند مضاف (اهل) محذوف است و این مجاز نیست، بلکه اسلوب رایج عرب است. اما باید توجه داشت که خود «حذف و تقدیر» نیز اگر بدون قرینه قوی و فراتر از

حد متعارف باشد، می‌تواند نوعی تکلف و نزدیک به تأویل شود. همچنین، مرز میان «توسعه در معنای حقیقی» و «مجاز لغوی» گاهی بسیار باریک است.

- تفاوت میان مقام نظریه‌پردازی و مقام عمل تفسیری: ممکن است در مقام نظریه‌پردازی و دفاع از یک دیدگاه کلامی خاص (مانند دفاع از عقیده سلف در باب صفات و مقابله با تأویلات معتزله و اشاعره)، فرد مواضع قاطعی اتخاذ کند، اما در مقام عمل و مواجهه با جزئیات متن و پیچیدگی‌های آن، ناگزیر از انعطاف بیشتری شود.
- عدم انسجام کامل در تعریف «مجاز» و «حقیقت»: خود مفهوم «حقیقت» و «مجاز» و مرزبندی دقیق میان آن دو، از مباحث پیچیده زبان‌شناسی و بلاغت است. ممکن است تعریفی که شنقیطی از مجاز (به‌عنوان مستلزم کذب) ارائه می‌دهد، با تعریف رایج بلاغیون متفاوت باشد و همین امر منجر به برخی ناهمسانی‌ها شود.

.2پیامدهای ناهمسانی:

- ایجاد ابهام در روش تفسیری: اگر مفسری اصلی را به‌عنوان مبنای روش خود اعلام کند اما در عمل به آن پایبند نباشد، این امر می‌تواند موجب سردرگمی خواننده و ایجاد ابهام در مورد انسجام روش تفسیری وی شود.
- تضعیف استدلال علیه قائلین به مجاز: موارد نقض عملی می‌تواند استدلال‌های نظری علیه وجود مجاز را تضعیف کند و نشان دهد که حتی منکران سرسخت نیز در عمل نمی‌توانند به‌طور کامل از پذیرش معانی فراتر از حقیقت اولیه اجتناب کنند.
- نشان دادن ظرفیت‌های زبان قرآن: این ناهمسانی به‌طور غیرمستقیم نشان می‌دهد که زبان قرآن آن‌قدر غنی و چندلایه است که نمی‌توان آن را در قالب‌های خشک و محدود نظری محصور کرد و گاهی بهترین نظریه‌ها نیز در برابر واقعیت زبانی متن، نیازمند بازنگری یا انعطاف هستند.

نتیجه‌گیری

شنقیطی یکی از برجسته‌ترین مفسران معاصر است که با تأکید بر روش تفسیر قرآن به قرآن و با موضعی قاطع و صریح، وجود مجاز در قرآن کریم را انکار کرده است. مبانی نظری وی در این انکار، عمدتاً بر لزوم صدق کلام الهی، عدم نیاز خداوند به مجاز، و جلوگیری از تأویلات باطل استوار است با این حال، بررسی دقیق تفسیر «أضواء البیان» نشان می‌دهد که علی‌رغم این موضع نظری، در عمل تفسیری و در مواجهه با برخی آیات خاص (مانند « وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ »، «جِدَارا يُرِيدُ أَن يَنقَضَّ»، « وَٱخۡفِضۡ لَهُمَا جَنَاحَ ٱلذُّلِّ»، و تا حدی آیات صفات)، شنقیطی تفاسیری ارائه داده است که یا عملاً به معنای مجازی نزدیک می‌شوند، یا با اصرار بر حمل بر حقیقت، به تکلف و خروج از فهم متعارف زبان منجر می‌شوند، و یا برای فرار از یک مجاز آشکار، به توجیهاتی پناه می‌برند که خود خالی از شائبه مجاز یا تأویل نیست.

این ناهمسانی میان نظر و عمل، می‌تواند ناشی از عواملی چون فشار واقعیت زبانی قرآن، تأثیر سنت تفسیری، تلاش برای ارائه معنایی قابل فهم، و شاید عدم انسجام کامل در تعریف و مرزبندی حقیقت و مجاز باشد. این موارد نقض عملی، اگرچه ممکن است از ارزش کلی تفسیر «أضواء البیان» نکاهد، اما اهمیت بازنگری انتقادی در نظریه انکار مطلق مجاز و توجه به

پیچیدگی‌های زبان قرآن را بیش از پیش آشکار می‌سازد. به نظر می‌رسد که پذیرش مجاز، با ضوابط و قرائن دقیق بلاغی، نه تنها با صدق و بلاغت قرآن منافاتی ندارد، بلکه می‌تواند به فهم عمیق‌تر و دقیق‌تر پیام الهی نیز کمک کند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم. مجموع الفتاوی .تحقیق عبدالرحمن بن محمد بن قاسم. مدینه: مجمع الملک فهد لطباعة المصحف الشریف، ١٤٢٦ق.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب . بیروت: دار صادر، بی تا.

۳. بلتاجي، محمد.«نظرية المجاز عند الشنقيطي وأثرها في تفسيره أضواء البيان». مجلة جامعة الشارقة للعلوم الشرعية والقانونية. ش٥(٢٠٠٨م): ١٢٣-١٦٠.

٤. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن. أسرار البلاغة .تحقیق محمود محمد شاکر. قاهره: مطبعة المدني، بی تا.

٥. جوادی آملی، عبدالله .تسنیم: تفسیر قرآن کریم. قم: نشر اسراء، ١٣٧٨ش.

٦. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد. تفسیر اثنی عشری .تهران: انتشارات میقات، ١٣٦٣ش.

۷. رشید رضا، محمد. تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار) . قاهره: الهیئة المصریة العامة للکتاب، ١٩٩٠م.

۸. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله. البرهان فی علوم القرآن. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: دار احیاء الکتب العربیة، چاپ اول، ١٣٧٦ق.

۹. زمخشری، محمود بن عمر. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل . بیروت: دار الکتاب العربی، ١٤٠٧ق.

۱۰. سبحانی، جعفر. مفاهیم القرآن . قم: مؤسسة الامام الصادق(ع)، ١٤١٨ق.

۱۱. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. الإتقان فی علوم القرآن. تحقیق مرکز الدراسات القرآنیة. مدینه: مجمع الملک فهد لطباعة المصحف الشریف، ١٤٢١ق.

۱۲. شنقیطی، محمد امین بن محمد مختار. أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن . تحقیق مکتب البحوث و الدراسات دار الفکر. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ١٤٢٦ق.

۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ١٣٩٠ق.

١٤. طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ١٣٧٢ش.

١٥. طبری، محمد بن جریر. جامع البیان عن تأویل آی القرآن .تحقیق عبدالله بن عبدالمحسن الترکی. بیروت: دار هجر للطباعة و النشر، ١٤٢٢ق.

١٦. طوسی، محمد بن حسن. التبیان فی تفسیر القرآن. تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی. بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.

١٧. العواجي، غالب بن محمد. منهج الشيخ محمد الأمين الشنقيطي في دفع توهم الاضطراب عن آيات الكتاب العزيز . (رسالة ماجستير غير منشورة). الرياض: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، ١٤٢٧ق.

۱۸. فخر رازی، محمد بن عمر. مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر). بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱٤۲۰ق.
۱۹. فیض کاشانی، ملامحسن. تفسیر الصافی. تحقیق حسین اعلمی. تهران: انتشارات الصدر، چاپ دوم، ۱٤۱۵ق.
۲۰. قرطبی، محمد بن احمد. الجامع لأحکام القرآن. تحقیق احمد البردونی و ابراهیم أطفیش. قاهره: دار الکتب المصریة، چاپ دوم، ۱۳۸٤ق.
۲۱. قمی، علی بن ابراهیم. تفسیر القمی. تحقیق سید طیب موسوی جزائری. قم: دار الکتاب، ۱۳٦۷ش.
۲۲. کاشانی، ملا فتح الله. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین . تصحیح علی اکبر غفاری. تهران: انتشارات علمی، ۱٤۲۳ق.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱٤۰۷ق.
۲٤. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. تفسیر نمونه . تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷٤ش.
۲۵. ملاصدرا (صدرالدین شیرازی). تفسیر القرآن الکریم . تصحیح محمد خواجوی. قم: انتشارات بیدار، ۱۳٦٦ش.
۲٦. معرفت، محمدهادی. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب. قم: مؤسسة التمهید، ۱٤۱۸ق.
۲۷. مطهری، مرتضی. مجموعه آثار . تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷٤ش.
۲۸. الذهبی، محمدحسین. التفسیر و المفسرون . قاهره: مکتبة وهبة، ۱٤۱۷ق.
۲۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. المفردات فی غریب القرآن. تحقیق صفوان عدنان داودی. بیروت: دارالعلم الدار الشامیة، ۱٤۱۲ق.
۳۰. المطعنی، عبدالعظیم. المجاز فی اللغة والقرآن الکریم بین المنع والإجازة: عرض وتحلیل ونقد. قاهره: مکتبة وهبة، بی‌تا.